



## Sociology of Education

# Explaining the Role of Philosophy Education for Children in the Model of Logical Thinking Education for Preschool Children

Zahra Abdolahiyan<sup>1</sup>, Majid Ghadami<sup>2\*</sup>, Reza Kachoueian Javadi<sup>3</sup>

1. PhD Student, Department of Philosophy of Education, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
3. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran.

❖ **Corresponding Author Email:** drghadami50@gmail.com

### Research Paper

**Receive:** 2024/03/24  
**Accept:** 2024/06/02  
**Published:** 2024/12/04

### Keywords:

Philosophy for Children, Logical Thinking, Educational Model, Preschool Children

### Article Cite:

Abdolahiyan Z, Ghadami M, Kachoueian Javadi R. (2024). Explaining the Role of Philosophy Education for Children in the Model of Logical Thinking Education for Preschool Children, *Sociology of Education*. 10(2): 385-396.

### Abstract

**Purpose:** Philosophy education for children is one of the insightful methods of rational upbringing. In this article, we sought to determine whether teaching philosophy to children can lead to reasoning and logical thinking in preschool children.

**Methodology:** The research method of this study was qualitative with a grounded theory approach, and the collected data were from the responses of 15 university professors and experts in the field of education and the philosophy for children education program. Additionally, the data were analyzed in three stages using MAXQDA software: "open coding," "axial coding," and "selective coding," and the final model was inferred.

**Findings:** The data from the interviews indicate that based on this model, the philosophy education program for children is a successful method in teaching logical thinking, which influences responsibility, the ability to respond effectively, and appropriate decision-making in various conditions and situations.

**Conclusion:** The results of this research showed that implementing philosophy education in the classroom can positively affect the development of reasoning and logical thinking skills in students.



<https://doi.org/10.22034/ijes.2024.2027901.1562>



<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23221445.1401.15.1.1.0>



Creative Commons: CC BY 4.0



## جامعه شناسی آموزش و پرورش

### تبیین جایگاه آموزش فلسفه برای کودکان در الگوی آموزش تفکر منطقی به کودکان پیش دبستانی

زهرا عبدالهیان<sup>۱</sup>، مجید قدمی<sup>۲</sup>، رضا کچوئیان جوادی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

۳. دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

✉ ایمیل نویسنده مسئول: drghadami50@gmail.com

| مقاله تحقیقاتی   | چکیده  |
|--|--|
| دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۵   | <b>هدف:</b> آموزش فلسفه برای کودکان، یکی از روش‌های بینشی تربیت عقلانی است؛ در این مقاله در پی آن بودیم که آیا آموزش فلسفه برای کودکان می‌تواند منجر به استدلال ورزی و تفکر منطقی در کودکان پیش دبستانی گردد.  |
| پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳  | <b>روش‌شناسی:</b> روش تحقیق این پژوهش کیفی با رویکرد گرند تئوری بوده و داده‌های جمع‌آوری شده از پاسخ‌های ۱۵ نفر از اساتید دانشگاه و خبرگان حوزه تعلیم و تربیت و برنامه آموزش فلسفه برای کودکان می‌باشد همچنین با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA در سه مرحله «کدگذاری باز»، «کدگذاری محوری» و «کدگذاری انتخابی» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و مدل نهایی استنتاج شده است. |
| انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۱۴   | <b>یافته‌ها:</b> از داده‌های مصاحبه‌ها، نشان می‌دهد براساس این مدل، برنامه آموزش فلسفه برای کودکان یک روش موفق در آموزش تفکر منطقی است که بر مسئولیت پذیری، توانایی پاسخ مؤثر و تصمیم‌گیری‌های مناسب در شرایط و موقعیت‌های مختلف تاثیرگذار است.  |
| <b>واژگان کلیدی:</b><br>آموزش فلسفه به کودکان، تفکر منطقی، الگوی آموزشی، کودکان پیش دبستانی  | <b>بحث و نتیجه‌گیری:</b> نتایج این پژوهش نشان داد که اجرای آموزش فلسفه در کلاس درس می‌تواند بر پرورش مهارت‌های استدلال ورزی و تفکر منطقی دانش‌آموزان تاثیر مثبتی بگذارد.   |
| <b>استناد مقاله:</b><br>عبدالهیان ز، قدمی م، کچوئیان جوادی ر. (۱۴۰۳). تبیین جایگاه آموزش فلسفه برای کودکان در الگوی آموزش تفکر منطقی به کودکان پیش دبستانی، جامعه شناسی آموزش و پرورش. ۱۰(۲): ۳۹۶-۳۸۵. |  |



<https://doi.org/10.22034/ijes.2024.2027901.1562>



<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23221445.1401.15.1.1.0>



Creative Commons: CC BY 4.0

## مقدمه

آموزش فلسفه برای کودکان به عنوان یکی از روش‌های نوین و مؤثر در تربیت عقلانی و اخلاقی شناخته شده است که به طور فزاینده‌ای در برنامه‌های آموزشی کشورهای مختلف مورد توجه قرار گرفته است (Biesta, 2011). این رویکرد، کودکان را در فرایندهای تفکر انتقادی، استدلال منطقی و تصمیم‌گیری معنادار درگیر می‌کند و به آن‌ها ابزارهای ضروری برای درک و تفسیر پیچیدگی‌های جهان اطرافشان ارائه می‌دهد (Cassidy, 2017, 2021). آموزش فلسفه برای کودکان نه تنها به توسعه مهارت‌های شناختی آن‌ها کمک می‌کند، بلکه تأثیرات عمیقی بر تربیت اخلاقی و اجتماعی آنان دارد. این برنامه‌ها از طریق گفتگوهای فلسفی، کودکان را تشویق می‌کنند تا پرسشگری و شک را به عنوان بخش‌های طبیعی و ضروری فرایند یادگیری بپذیرا باشند (Boyd & Cutcher, 2015). بدین ترتیب، کودکان یاد می‌گیرند که چگونه مسائل را از زوایای مختلف بررسی کنند و دیدگاه‌های مختلف را در نظر بگیرند (Kizel, 2019).

یکی از اهداف اصلی آموزش فلسفه برای کودکان، پرورش تفکر انتقادی است. تفکر انتقادی به کودکان کمک می‌کند تا ادعاها و استدلال‌ها را ارزیابی کرده و تصمیمات آگاهانه‌تری بگیرند (Cassidy, 2021). همچنین، این نوع آموزش به آن‌ها فرصت می‌دهد تا در محیطی حمایتی و بدون قضاوت، ایده‌ها و نظرات خود را بیان کنند و در عین حال، به نظرات دیگران نیز احترام بگذارند (Mehdiyev & Yarali, 2020).

تحقیقات نشان داده‌اند که آموزش فلسفه به کودکان پیش‌دبستانی می‌تواند تأثیرات مثبتی بر توسعه مهارت‌های شناختی و اجتماعی آنان داشته باشد. به عنوان مثال، مطالعه‌ای که توسط Michaud و Gregory (2022) انجام شد، نشان داد که کودکان شرکت‌کننده در برنامه‌های فلسفه برای کودکان، بهبود قابل توجهی در مهارت‌های استدلال و تفکر منطقی نشان داده‌اند. این کودکان قادر به درک بهتر مفاهیم پیچیده و حل مسائل به صورت خلاقانه‌تر بودند (Mehdiyev & Yarali, 2020).

علاوه بر این، Ndofirepi (2012) به اهمیت آموزش فلسفه در تقویت ذهنیت باز و پذیرش تفاوت‌ها در کودکان اشاره کرده است. او معتقد است که از طریق آموزش فلسفه، کودکان یاد می‌گیرند که به نظرات و دیدگاه‌های مختلف احترام بگذارند و توانایی‌های خود را در تحلیل و نقد مسائل بهبود بخشند. این مهارت‌ها برای توسعه اجتماعی و فردی کودکان بسیار حائز اهمیت است (Ndofirepi, 2012).

روش‌های مختلفی برای آموزش فلسفه به کودکان وجود دارد که هر یک از آن‌ها به نحوی به توسعه مهارت‌های شناختی و اجتماعی کودکان کمک می‌کنند. یکی از روش‌های رایج، استفاده از داستان‌های فلسفی است که به کودکان کمک می‌کند تا از طریق داستان‌ها و شخصیت‌ها، مفاهیم فلسفی را درک کنند و در مورد آن‌ها تفکر کنند (Vansielegheem & Kennedy, 2011).

همچنین، استفاده از گفتگوهای فلسفی در کلاس درس، یکی دیگر از روش‌های مؤثر در آموزش فلسفه به کودکان است. در این روش، معلمان با طرح پرسش‌های باز و چالشی، کودکان را تشویق می‌کنند تا به صورت گروهی در مورد مسائل مختلف بحث و گفتگو کنند (Safriyani & Mustofa, 2021). این فرایند، علاوه بر تقویت مهارت‌های استدلال و تفکر انتقادی، به کودکان کمک می‌کند تا مهارت‌های اجتماعی مانند همکاری و همدلی را نیز تقویت کنند (Pala, 2022).

با وجود مزایای بسیاری که آموزش فلسفه برای کودکان دارد، این رویکرد با چالش‌هایی نیز همراه است. یکی از چالش‌های اصلی، نیاز به معلمان متخصص و مجرب در زمینه فلسفه برای کودکان است. معلمان باید توانایی مدیریت گفتگوهای فلسفی و هدایت کودکان در فرایندهای تفکر انتقادی را داشته باشند (Biesta, 2011).

علاوه بر این، برخی از والدین و مربیان ممکن است نسبت به مفاهیم فلسفی و کاربرد آن‌ها در آموزش کودکان تردید داشته باشند. بنابراین، ضروری است که برنامه‌های آموزشی فلسفه برای کودکان به گونه‌ای طراحی شوند که به والدین و مربیان اطمینان دهند که این برنامه‌ها می‌توانند به توسعه همه‌جانبه کودکان کمک کنند (Parkin, 2021). آموزش فلسفه برای کودکان به عنوان یک رویکرد نوین و مؤثر در تربیت عقلانی و اخلاقی شناخته شده است که می‌تواند تأثیرات عمیقی بر توسعه مهارت‌های شناختی و اجتماعی کودکان داشته باشد. با استفاده از روش‌های متنوع مانند داستان‌های فلسفی و گفتگوهای گروهی، کودکان می‌توانند مهارت‌های استدلال، تفکر انتقادی و همکاری را تقویت کنند و برای مواجهه با چالش‌های زندگی بهتر آماده شوند (Cassidy, 2017). با این حال، موفقیت این برنامه‌ها نیازمند تلاش‌های هماهنگ از سوی معلمان، والدین و سیاست‌گذاران آموزشی است تا اطمینان حاصل شود که کودکان فرصت‌های لازم برای یادگیری و رشد در محیطی حمایتی و انگیزشی را دارند (Motherway, 2022). لذا این پژوهش در پی پاسخگویی به این سؤال است که آیا آموزش فلسفه برای کودکان می‌تواند منجر به استدلال ورزی و تفکر منطقی در کودکان پیش‌دبستانی گردد؟

## روش شناسی

روش کیفی به کار رفته در این تحقیق، روش «گرند تئوری» با رویکرد «اکتشافی» و ارائه سوال تحقیق بدون فرضیه جهت جمع آوری داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. برای گردآوری اطلاعات در این بخش از تحقیق، از تکنیک مصاحبه و استفاده از نرم افزار MAXQDA استفاده شد.

روش کمی تحلیل محتوا از رویکردی خاص برای تحلیل داده‌ها برخوردار است. این رویکرد خاص عمدتاً ناشی از نحوه تلقی از موضوع تحلیل (محتوا) می باشد. تحلیل محتوا را تکنیکی پژوهشی برای استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها در مورد متن آن‌ها تعریف کرده‌اند. «برنارد برلسون» تحلیل محتوا را «روشی برای مطالعه عینی، کمی و سیستماتیک فرآورده‌های ارتباطی (محتوای آشکار پیام) جهت رسیدن به تفسیر» تعریف کرده است. در این تعریف بر سه واژه «عینیت»، «کمیت» و «سیستماتیک بودن» تأکید شده است. «عینیت» اشاره به این دارد که این پژوهش بر اساس قواعد، احکام و روش‌های مشخص انجام می‌گیرد. بنابراین، به منظور اجتناب از سوگیری نظر محقق در فرآیند تحقیق می‌بایست تحقیق توسط مجموعه صریح و مشخصی از قواعد هدایت شود.

روش‌های جمع‌آوری اطلاعات به دو صورت انجام پذیرفت که به ترتیب عبارت است از:

الف) مصاحبه با خبرگان، صاحب‌نظران و اندیشمندان و مدیران اجرایی و سیاستگذاران حوزه تعلیم و تربیت  
ب) اطلاعات موجود (کتابخانه و مجلات فارسی و انگلیسی و منابع آرشیوی).

در بخش مصاحبه تعداد ۱۵ نفر از خبرگان، صاحب‌نظران و اندیشمندان و مدیران اجرایی و سیاستگذاران حوزه تعلیم و تربیت اسلامی و برنامه آموزش فلسفه برای کودکان انتخاب شده‌اند.

تحلیل داده‌ها با اتخاذ روش تحلیل تفسیری اشتراوس و کوربین و انجام فرایند «کدگذاری باز» و «محوری» صورت پذیرفته و در کدگذاری باز، نسخه برداری‌های مربوط به مصاحبه‌ها خط به خط مورد بررسی قرار گرفت و بر اساس برداشت‌های محقق هر خط در قالب یک مفهوم مرتبط کدگذاری شد و سپس در مرحله بعد مفاهیمی که دارای ایده‌ی مشترک بودند در سطحی با انتزاع بالاتر دسته بندی شدند و مقولات اولیه را تشکیل دادند و در نهایت بر اساس اشتراکاتی که میان مقولات اولیه وجود داشت، مقوله‌های اصلی یا «تم‌ها» شکل گرفتند و در الگوی پارادایم داده بنیاد صورت بندی شدند. نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها در زیر ارائه شده است.

تجزیه و تحلیل اطلاعات در این گام بر مبنای روش کدگذاری نظری انجام شد. کدگذاری نظری روشی است برای تحلیل داده‌هایی که به منظور تدوین یک نظریه به روش نظریه پردازی داده بنیاد گردآوری شده‌اند. در واقع کدگذاری عبارت است از عملیاتی که طی آن داده‌ها تجزیه، مفهوم سازی و به شکل تازه‌ار در کنار یکدیگر قرار داده می‌شوند. این همان فرایند اصلی است که طی آن نظریه بر اساس داده‌ها تدوین می‌شود.

مراحل کدگذاری مورد استفاده در این تحقیق عبارتند از:

۱- کدگذاری باز کدگذاری محوری

۲- کدگذاری انتخابی

در مرحله کدگذاری باز مصاحبه‌ها پیاده سازی شده و خلاصه نویسی‌ها صورت گرفت. کد گذاری باز در طی مرور داده‌های جمع آوری شده انجام می‌شود. «استراوس» و «کوربین» کدگذاری باز را اینگونه توصیف می‌کنند «بخشی از تحلیل که مشخصاً به نامگذاری و دسته بندی پدیده از طریق بررسی دقیق داده‌ها مربوط می‌شود». در این نوع کدگذاری مفاهیم درون مصاحبه‌ها طبقه بندی می‌شوند که به این کار مقوله پردازی گفته می‌شود. مقولات دارای قدرت مفهومی بالایی هستند زیرا می‌توانند مفاهیم را به دور محور خود جمع کنند.

بدین ترتیب برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل تفسیری رویکرد مقایسه‌ی مداوم استراوس و کوربین استفاده شد. در این پژوهش جمع آوری و تحلیل داده‌ها به طور همزمان صورت گرفت. بر اساس این روش، بعد از اینکه هر مصاحبه انجام می‌شد، آن را از نوار ضبط شده به روی برگه‌ها ثبت شده و کدگذاری صورت می‌گرفت. در گام اول از تحلیل اطلاعات (کدگذاری باز) ابتدا داده‌ها خط به خط خوانده و کدهای باز استخراج گردید. کدهایی که اشتراک مفهومی داشتند در ذیل یک مقوله جای گرفتند و بدین ترتیب مقولات متعددی شکل گرفتند. بر اساس مفاهیمی که در این گام حاصل گردید مقوله‌های اولیه شکل گرفتند.

در مرحله کدگذاری باز تحقیق حاضر، مصاحبه‌های صورت گرفته مورد بررسی دقیق قرار گرفت. هنگام مطالعه آن‌ها محقق به شناسایی عناصر تشکیل دهنده الگوی تحقق نهایی و کاربردی ارائه راهبردهای عملیاتی مطلوب جهت آموزش فلسفه برای نوآموزان پیش دبستانی با توجه مبانی فلسفی تربیت اسلامی، پرداخت که این امر در جهت آموزش تفکر منطقی؛ شامل معیارهای توانمندساز، اجرای خط مشی‌ها و معیارهای نتایج اجرای خط مشی می‌شد.

## یافته‌ها

در این بخش اطلاعات حاصل از مصاحبه با ۱۵ نفر در زمینه پژوهش که شامل ۵۵ مفهوم است که تحت ۱۶ مقوله قرار گرفته‌اند، در زیر به تفکیک ارائه می‌شوند:

### جدول ۱. مقوله‌ها و مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها

| مقوله ۱، اعتماد به توانایی سیاست‌گذاران و برنامه‌های آنان  | مفاهیم |
|--|--------|
| توانایی علمی سیاست‌گذاران (مصاحبه شماره، ۱، ۳، ۶)  |        |
| هماهنگی بین سیاست‌گذاران (مصاحبه شماره، ۳ و ۵)   |        |
| هماهنگی گفتار و رفتار سیاست‌گذاران (مصاحبه شماره، ۱، ۸)  |        |
| مقوله ۲، نهادینه شدن اصول تربیت فلسفی  |        |
| هم‌سوایی برنامه‌های درسی با آموزش فلسفه برای کودکان (مصاحبه شماره، ۳، ۵)                                 |        |
| توجه به شرایط روحی افراد (مصاحبه شماره، ۱، ۸)  |        |
| توجه به شرایط محیطی افراد (مصاحبه شماره، ۲، ۳)   |        |
| توجه به ارزیابی‌های اخلاقی افراد (مصاحبه شماره، ۱)   |        |
| مقوله ۳، استدلال محوری و داشتن نگاه انتقادی  |        |
| در نظر گرفتن پیچیدگی‌های زندگی در عصر جدید (مصاحبه شماره، ۶، ۹).   |        |
| کاسته شدن از اقتدار معلم و پررنگ تر شدن گفتگوی میان دانش‌آموزان (مصاحبه شماره، ۱، ۵).                    |        |
| مقوله ۴، جمع‌گرایی درون‌گروهی و نهادی  |        |
| منفعت‌طلبی شخصی و حزبی (مصاحبه شماره، ۱، ۳ و ۵)  |        |
| بینش جمعی و همگرایی بین اعضای گروه‌های دانش‌آموزی (مصاحبه شماره، ۲، ۴، ۶)                                |        |
| توانایی در ایجاد تیم و شکل‌دهی مفهوم ما (مصاحبه شماره، ۱ و ۵)  |        |
| مقوله ۵، مشارکت دانش‌آموزان در امر آموزش و پرورش   |        |
| استفاده از سوژه‌های درون کلاسی (مصاحبه شماره، ۳، ۶، ۹)   |        |
| دیدن تک تک دانش‌آموزان و شنیدن صدای آن‌ها (مصاحبه شماره، ۱)  |        |
| مقوله ۶، تربیت منطقی و جایگاه آن در آموزش و پرورش  |        |
| اختیار و آزادی (مصاحبه شماره، ۲، ۳، ۶)   |        |
| کمال‌گرایی (مصاحبه شماره، ۱۰)  |        |
| مقوله ۷، تأکید بر تقویت روحیه استقلال‌طلبی دانش‌آموزان   |        |
| مسئولیت‌پذیری (مصاحبه شماره، ۱، ۳، ۱۰)   |        |
| وفای به عهد و امانت‌داری (مصاحبه شماره، ۲، ۳)  |        |
| مقوله ۸، هویت و جایگاه علم در نظام تعلیم و تربیت   |        |
| مشخص بودن تعریف دانش‌آموز، معلم، مدرسه و میزان هدفمندی ساختار نظام آموزشی (مصاحبه شماره، ۱)              |        |
| شأن و جایگاه معلم و دانش‌آموزان در جامعه (مصاحبه شماره، ۲، ۳)  |        |
| مقوله ۹، انتقادات به نظام تربیتی ساختار آموزش فعلی در مدارس  |        |
| عدم تدارک الزامات جهت تحقق برنامه‌های بالادستی (مصاحبه شماره، ۱، ۵)                                      |        |
| آموزش‌های یکجانبه و خطی (مصاحبه شماره، ۳، ۶)   |        |
| مقوله ۱۰، ارزشیابی کیفیت در نظام تربیتی آموزش رسمی   |        |
| عدم وجود چشم‌انداز و برنامه راهبردی در حوزه ارزشیابی کیفیت در تربیت دانش‌آموزان (مصاحبه شماره، ۱، ۲ و ۶) |        |
| عدم وجود زبان و اندیشه مشترک از مفاهیم و اصطلاحات مذکور (کیفیت) (مصاحبه شماره، ۱ و ۳)                    |        |
| عدم توجه به حوزه ارزشیابی آموزشی به عنوان یک حوزه تخصصی (مصاحبه شماره، ۱)                                |        |
| نادیده گرفتن موانع درون فردی و اجتماعی مقابله‌کننده با زیست اخلاقی و پایبندی به آن (مصاحبه شماره، ۱)     |        |
| عدم ارتباط بین کارکردهای مدیریتی نظام آموزشی (برنامه‌ریزی و ارزیابی) (مصاحبه شماره، ۱)                   |        |
| عدم تبعیت کامل از الگوی جامع ارزشیابی (مصاحبه شماره، ۱)  |        |

- مقاله ۱۱، کارآمدی نظام تربیتی  
مفاهیم کاربست علم در جامعه (مصاحبه شماره، ۱، ۵، ۶)  
توانمند سازی خروجی‌های مدارس (مصاحبه شماره، ۱)
- مقاله ۱۲، عدم اثربخشی برنامه‌های تربیتی در نظام آموزش رسمی  
مفاهیم ضرورت بازنگری در شیوه‌های برنامه ریزی درسی (مصاحبه شماره، ۱)  
بهره گیری از نظرات و مشاهدات معلم، نظرخواهی از والدین، خودارزیایی، پروژه‌های فردی و گروهی در ارزشیابی‌ها (مصاحبه شماره، ۱)  
نقد برنامه‌های گذشته و تبیین نکات منفی و مثبت آن‌ها (مصاحبه شماره، ۱)  
تعیین نقشه راه برای آینده (مصاحبه شماره، ۱)  
عدم ارتباط با واقعیت موجود و بسترهای عینی اعم از اقتصادی، سیاسی و فرهنگی (مصاحبه شماره، ۱)  
نبود ساختار و تشکیلات لازم برای اجرای برنامه‌ها (مصاحبه شماره، ۵)
- مقاله ۱۳، ساختار کلان و سطح نهادی آموزش رسمی  
مفاهیم هماهنگی نظام آموزشی با نظام‌های دیگر (مصاحبه شماره، ۶، ۹)  
تعارض بین ساختار کلان نظام آموزش رسمی و ویژگی برنامه‌های توسعه (مصاحبه شماره، ۷، ۹)  
مقاله ۱۴، توسعه ساختار نظام اجرایی تربیتی برای تفکر منطقی  
مفاهیم جهت دهی برنامه‌ها در راستای هویت اخلاقی دانش آموزان (مصاحبه شماره، ۳)  
نگرش کل‌گرا و نظام مند و غلبه بر تفکر جزءنگر (مصاحبه شماره، ۳)  
تمرکز تصمیم‌گیری در سطح کلان (مصاحبه شماره، ۳)  
لحاظ اقتضات عصر حاضر [موانع درون فردی، بین فردی، اجتماعی، فناورانه] (مصاحبه شماره، ۳)
- مقاله ۱۵، همگامی با پیشرفت‌های جهانی  
مفاهیم تغییر رویکرد به آموزش اخلاقی برای زندگی کردن نه علم اخلاق (مصاحبه شماره، ۴)  
توجه به دوره‌های رشد و جنسیت یادگیرندگان (مصاحبه شماره، ۴)  
استفاده از روش‌های ارزشیابی مبتنی بر پروژه‌های فردی و گروهی (مصاحبه شماره، ۴)
- مقاله ۱۶، طراحی برنامه‌های آموزش تفکر منطقی در دانش آموزان  
مفاهیم آموزش تفکر منطقی در دروسی مانند مطالعات اجتماعی، ادبیات و حتی ریاضیات (مصاحبه شماره، ۱۰، ۳ و ۴)  
استفاده از ظرفیت‌های دوران کودکی و نوجوانی برای تمرین تفکر منطقی (مصاحبه شماره، ۲ و ۱۰)

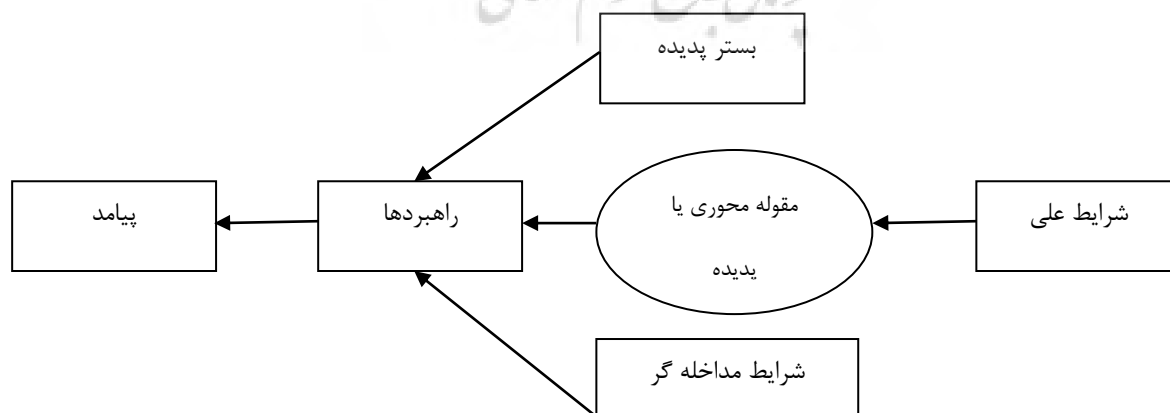
در گام بعدی تلاش گردید مقوله‌های مشابه و مقارن در تم‌های اصلی جای گیرند. بر اساس اشتراک مفهومی که مقولات با یکدیگر داشتند، تم‌ها، به شکل مفاهیم انتزاعی تری استخراج شدند. پس از تهیه و تنظیم جدول مفاهیم و مقولات اولیه به عنوان گام نخست تحلیل کیفی اطلاعات حاصل از انجام مصاحبه، برای تکمیل این فرآیند، مفاهیم حاصله در سطح بالاتر جهت دست یابی به تم‌های اصلی، گروه بندی شدند. پس از مقایسه مقولات گروه بندی شده، مطالب مرتبط با یکدیگر در یک مضمون کلی دسته بندی شدند و بر اساس عناوین موجود در نظریه‌های مرتبط یا مفاهیم برخاسته از ادبیات تحقیق، عناوین کلی برای این مضمون‌ها در نظر گرفته شد. با توجه به هدف کلی پژوهش که در راستای ارائه الگوی نهایی و کاربردی برای آموزش تفکر منطقی در دانش آموزان پیش دبستانی است و با توجه به اشتراکات مفهومی، هر کدام از این مفاهیم در مقولات جای گرفتند و در تحلیل نهایی مفاهیم اولیه، با کسب آگاهی از تم‌های مختلف و چگونگی تناسب آن‌ها با یکدیگر تلاش شد نقشه رضایت بخشی از تم‌ها ترسیم گردد، در این مرحله، تم‌ها تعریف شدند و مورد بازبینی مجدد قرار گرفتند، سپس داده‌های درون آن‌ها را تحلیل شدند. به وسیله تعریف و بازبینی، ماهیت آن چیزی که یک تم در مورد آن بحث می‌کند، مشخص و تعیین گردید که هر تم کدام جنبه از اطلاعات را در خود جای داده است. در ذیل تم‌ها به طور جامع ارائه می‌شود.

جدول ۲. تم‌های مشترک استخراج شده از مصاحبه‌ها

| تم   | مقولات   |
|--|--|
| تم ۱، کیفیت مداری در نظام تربیتی   | مقوله ۱۰، ارزشیابی کیفیت<br>مقوله ۱۱، کارآمدی نظام تربیتی<br>مقوله ۱۲، عدم اثربخشی برنامه‌های تربیتی در نظام آموزش رسمی  |
| تم ۲، مدیریت راهبردی نظام تربیت آموزش رسمی                                     | مقولات<br>مقوله ۱، اعتماد به توانایی سیاست‌گذاران و برنامه‌های آنان<br>مقوله ۲، نهادی شدن اصول آموزش تفکر منطقی<br>مقوله ۴، جمع‌گرایی درون‌گروهی و نهادی<br>مقوله ۱۴، توسعه ساختار نظام اجرایی تربیتی<br>مقوله ۱۵، همگامی با پیشرفت‌های جهانی<br>مقوله ۱۶، طراحی برنامه‌های تفکر منطقی دانش‌آموزان |
| تم ۳، راهکارهای پیشنهادی برای طراحی نظام تربیت منطقی بر اساس فلسفه برای کودکان | مقولات<br>مقوله ۵، مشارکت دانش‌آموزان در امر آموزش<br>مقوله ۷، تاکید بر تقویت روحیه استقلال دانش‌آموزان<br>مقوله ۶، آموزش تفکر منطقی و جایگاه آن در آموزش و پرورش مدرن   |
| تم ۴، چالش‌های نظام آموزش رسمی در زمینه آموزش تفکر منطقی                       | مقولات<br>مقوله ۱۲، عدم اثربخشی برنامه‌های تربیتی در نظام آموزش رسمی<br>مقوله ۱۳، ساختار کلان و سطح نهادی آموزش رسمی   |

هدف از کدگذاری محوری ایجاد رابطه بین مقوله‌های تولید شده (در مرحله کدگذاری باز) است. این عمل معمولاً بر اساس الگوی پارادایم انجام می‌شود و به نظریه پرداز کمک می‌کند تا فرایند نظریه پردازی را به سهولت انجام دهد. اساس ارتباط دهی در کدگذاری محوری بر بسط و گسترش یکی از مقوله‌ها قرار دارد.

در این تحقیق کدگذاری محوری بر اساس استفاده از الگوی پارادایم صورت گرفته است. بنابراین دسته بندی‌های فرعی با دسته بندی اصلی مطابق با الگوی پارادایم مرتبط می‌شوند و هدف اصلی این است که محقق را قادر سازد تا به صورت نظام مند در مورد داده‌ها و مرتبط کردن آن‌ها تفکر کند. دسته بندی اصلی (مانند ایده یا رویداد محوری) بعنوان پدیده تعریف می‌شود و سایر دسته بندی‌ها با این دسته بندی اصلی مرتبط می‌شوند. شرایط علی، موارد و رویدادهایی هستند که منجر به ایجاد و توسعه پدیده می‌گردند. زمینه به مجموعه‌ار ویژه از شرایط، و شرایط مداخله گر به مجموعه گسترده تری از شرایط اشاره دارند که پدیده در آن قرار دارد. راهبردهای کنش یا تقابل، به اقدامات و پاسخ‌هایی اشاره می‌کنند که به عنوان نتیجه پدیده رخ می‌دهند و در نهایت ستاده‌های -خواسته یا ناخواسته - این اقدامات و پاسخها به پیامدها اشاره دارند.



شکل ۲. الگوی پارادایم

ایجاد ارتباط بین مقوله‌های مختلف شناسایی شده را در قالب الگوی پارادایم نمایش می‌دهد و نیز به عنوان شکل برآمده از روش‌گرد تئوری و برخاسته از تجزیه و تحلیل و کدگذاری در سه مرحله است و به دلیل آنکه روش تحقیق اکتشافی است، به تئوری بومی در زمینه الگوی آموزش تفکر منطقی به دانش‌آموزان رسیدیم. در این الگو بر نقش محوری مدیریت عالی در سیاستگذاری نظام آموزش رسمی و در ساختار کلان و نهادی شده این نظام تأکید شده است که نسبت ارزشیابی کیفیت در آموزش رسمی، کارآمدی آموزش و طراحی برنامه‌های آموزش رسمی و در زمینه آموزش تفکر منطقی اهتمام می‌ورزد. این الگو، شامل ۶ بخش به شرح زیر است:

### ۱- مقوله محوری: کیفیت مداری در نظام تربیتی

با توجه به اینکه مصاحبه‌های صورت گرفته "کیفیت مداری در نظام تربیتی" را به عنوان مبنا و ستون اصلی تحقق اجرای الگوی پیشنهادی قلمداد کرده اند، پس از جمع آوری و تحلیل داده‌ها در مرحله کدگذاری باز و بررسی ویژگی‌های ارائه شده، مقوله "کیفیت مداری" به عنوان مقوله محوری انتخاب شد.

### ۲- شرایط علی: مدیریت راهبردی نظام آموزش رسمی

شرایط علی باعث ایجاد و توسعه پدیده یا مقوله محوری می‌شوند. از میان مقوله‌های موجود، "مدیریت راهبردی نظام آموزش رسمی" به عنوان علی تلقی می‌شوند که نقش فعال در اجرای خط مشی برنامه‌های توسعه علم و فناوری داشته و تا این عوامل مهیا نشوند برنامه‌های توسعه علم و فناوری محقق نمی‌شوند.

### ۳- راهکارهای پیشنهادی برای طراحی نظام آموزش تفکر منطقی

راهکارهای پیشنهادی بیانگر رفتارها، فعالیت‌ها و تعاملات هدف داری هستند که در پاسخ به مقوله محوری و تحت تاثیر شرایط مداخله گر، اتخاذ می‌شوند. به این مقوله‌ها راهبرد نیز گفته می‌شود. که در تحقیق حاضر عبارتند از: ترویج روحیه مشارکت و استقلال طلبی فکری دانش‌آموزان.

### ۴- شرایط مداخله گر: چالش‌های نظام آموزش رسمی در زمینه آموزش فلسفه و تفکر منطقی

شرایط مداخله گر عواملی هستند که در اجرای نظام تربیتی آموزش رسمی تاثیرگذار هستند و می‌توانند به عنوان یک چالش و سد عمل کنند. عواملی که در تحقیق حاضر در الگوی تحقیق نقش عوامل مداخله گر را ایفا می‌کنند عبارتند از:

- مقوله عدم اثربخشی برنامه‌های تربیتی در نظام آموزش رسمی
- مقوله ساختار کلان و سطح نهادی آموزش رسمی

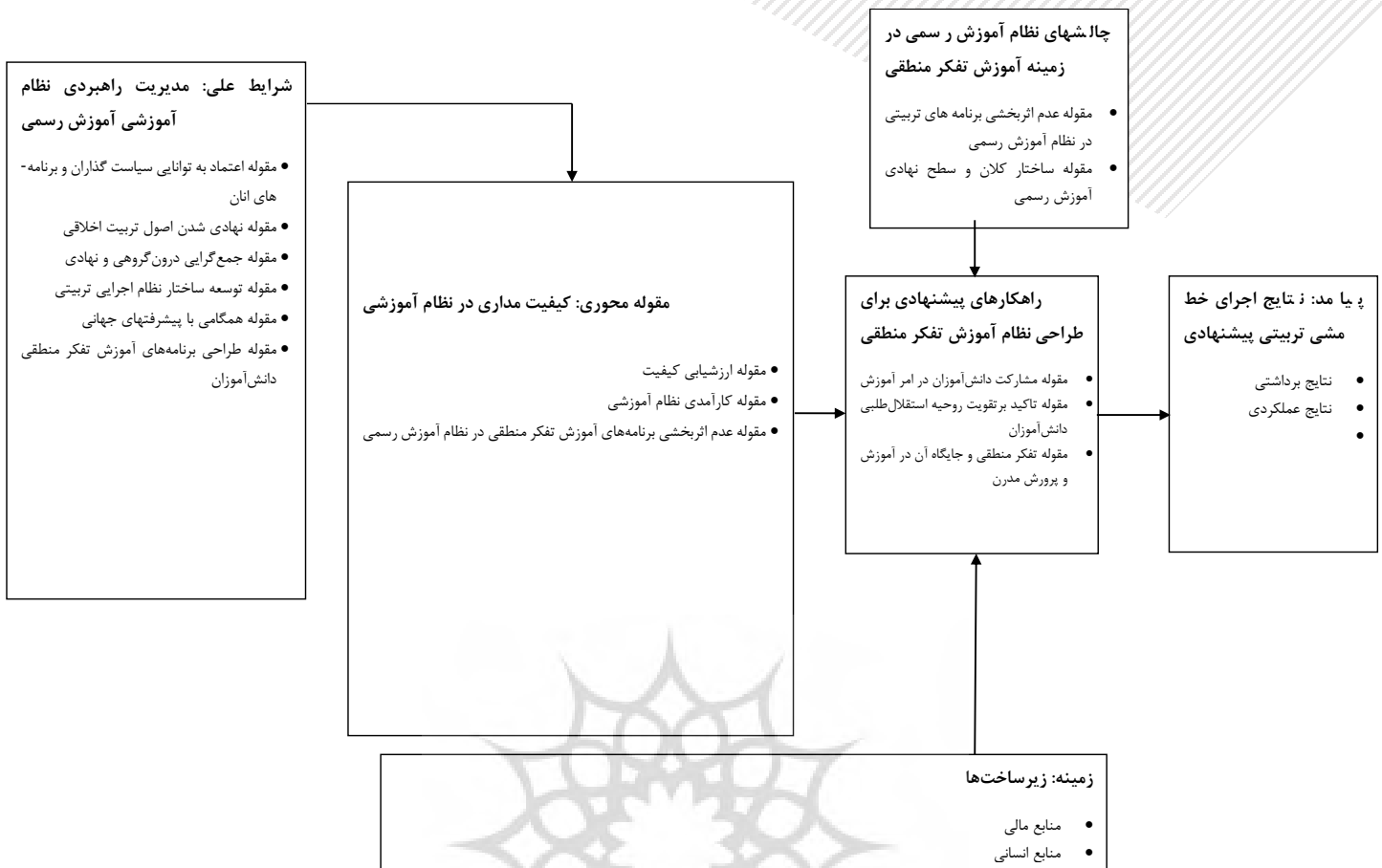
### ۵- بستر حاکم: زیرساخت‌ها

به شرایط خاصی که برکنش‌ها و تعاملات تاثیر می‌گذارند، بستر گفته می‌شود. این شرایط را مجموعه‌ار از مفاهیم، مقوله‌ها یا متغیرهای زمینه‌ار تشکیل دهند و در الگوی معرفی شده عبارتند از: منابع مالی و منابع انسانی.

### ۶- پیامدها: نتایج تصمیم گیری

برخی از مقوله‌ها بیانگر نتایج و پیامدهایی هستند که در اثر اتخاذ راهبردها به وجود می‌آیند. در پژوهش حاضر، رخداد نتایج تصمیم گیری شامل نتایج برداشتی و نتایج عملکردی، نتیجه کنش‌ها و تعاملات ایجاد شده و تاثیر پذیر از شرایط علی، مقوله محوری و بستر حاکم می‌باشد، که عوامل متعددی را شامل می‌شود.





شکل ۲. کدگذاری محوری بر اساس الگوی پارادایم

## بحث و نتیجه‌گیری

آموزش فلسفه برای کودکان به‌عنوان یکی از روش‌های نوین تربیت عقلانی و اخلاقی، در سال‌های اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران و مربیان را به خود جلب کرده است. نتایج این پژوهش نیز نشان‌دهنده تأثیرات مثبت و قابل‌توجه آموزش فلسفه بر تفکر منطقی و استدلال ورزی در کودکان پیش‌دبستانی است. در این بخش، به بررسی و تفسیر این نتایج با استناد به منابع موجود خواهیم پرداخت.

یکی از مهم‌ترین نتایج این پژوهش، تأثیر مثبت آموزش فلسفه بر توسعه تفکر منطقی در کودکان پیش‌دبستانی است. این یافته‌ها با تحقیقات پیشین همخوانی دارد که نشان می‌دهند آموزش فلسفه می‌تواند بهبود مهارت‌های استدلال و تفکر منطقی کودکان را تسریع بخشد (Biesta, 2011; Boyd & Cutcher, 2015). به‌طور خاص، تحقیق انجام‌شده توسط Cassidy (2017) نشان می‌دهد که شرکت کودکان در جلسات بحث فلسفی باعث افزایش توانایی آن‌ها در تحلیل مسائل و ارزیابی استدلال‌ها می‌شود (Cassidy, 2017).

آموزش فلسفه برای کودکان نه‌تنها تفکر منطقی آن‌ها را تقویت می‌کند، بلکه مهارت‌های استدلال و تصمیم‌گیری آن‌ها را نیز بهبود می‌بخشد. نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که کودکان شرکت‌کننده در برنامه‌های فلسفه برای کودکان، توانایی بهتری در تصمیم‌گیری‌های معقول و مسئولیت‌پذیری دارند. این نتایج با مطالعات قبلی هماهنگ است که نشان می‌دهند آموزش فلسفه به کودکان کمک می‌کند تا در مواجهه با مسائل مختلف، تصمیمات آگاهانه‌تر و منطقی‌تری بگیرند (Boyd & Cutcher, 2015).

یکی دیگر از نتایج مهم این پژوهش، تأثیر مثبت آموزش فلسفه بر توسعه مهارت‌های اجتماعی کودکان است. کودکان از طریق مشارکت در بحث‌های فلسفی یاد می‌گیرند که به نظرات و دیدگاه‌های دیگران احترام بگذارند و به صورت همکارانه به حل مسائل بپردازند. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات Kizel

(2019) همخوانی دارد که نشان می‌دهد آموزش فلسفه می‌تواند به تقویت مهارت‌های اجتماعی کودکان و افزایش توانایی آن‌ها در همکاری و همدلی کمک کند (Kizel, 2019).

اگرچه نتایج این پژوهش نشان‌دهنده مزایای قابل‌توجه آموزش فلسفه برای کودکان است، اما اجرای این برنامه‌ها با چالش‌هایی نیز همراه است. یکی از چالش‌های اصلی، نیاز به معلمان متخصص و مجرب در زمینه فلسفه برای کودکان است. معلمان باید توانایی مدیریت گفتگوهای فلسفی و هدایت کودکان در فرایندهای تفکر انتقادی را داشته باشند (Biesta, 2011). همچنین، برخی از والدین و مربیان ممکن است نسبت به مفاهیم فلسفی و کاربرد آن‌ها در آموزش کودکان تردید داشته باشند.

برای غلبه بر چالش‌های مذکور، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزش فلسفه برای کودکان به‌گونه‌ای طراحی شوند که علاوه بر تقویت مهارت‌های شناختی، به توسعه مهارت‌های اجتماعی و اخلاقی کودکان نیز توجه داشته باشند. استفاده از روش‌های متنوع آموزشی مانند داستان‌های فلسفی، بازی‌های آموزشی و گفتگوهای گروهی می‌تواند به کودکان کمک کند تا مفاهیم فلسفی را بهتر درک کنند و در فرایند یادگیری فعال‌تر باشند (Vansieleghem & Kennedy, 2011).

با توجه به نتایج مثبت این پژوهش و تحقیقات قبلی، ضروری است که پژوهش‌های بیشتری در زمینه آموزش فلسفه برای کودکان انجام شود. تحقیقات بیشتر می‌تواند به شناسایی روش‌های مؤثرتر در آموزش فلسفه و همچنین بررسی تأثیرات بلندمدت این نوع آموزش بر توسعه شناختی و اجتماعی کودکان کمک کند (Cassidy, 2017, 2021). همچنین، پژوهش‌های بیشتر می‌تواند به شناسایی چالش‌ها و موانع موجود در اجرای برنامه‌های آموزش فلسفه برای کودکان و ارائه راهکارهای عملی برای غلبه بر این چالش‌ها کمک کند (Motherway, 2022).

نقش سیاست‌گذاران آموزشی در حمایت و ترویج آموزش فلسفه برای کودکان بسیار حائز اهمیت است. سیاست‌گذاران می‌توانند با تدوین سیاست‌های مناسب و ارائه منابع مالی و آموزشی لازم، از اجرای برنامه‌های آموزش فلسفه برای کودکان حمایت کنند (Parkin, 2021). همچنین، آن‌ها می‌توانند با ارائه دوره‌های آموزشی برای معلمان و ترویج فرهنگ گفتگوی فلسفی در مدارس، به توسعه این نوع آموزش کمک کنند (Safriyani & Mustofa, 2021). نتایج این پژوهش نشان‌دهنده تأثیرات مثبت و قابل‌توجه آموزش فلسفه برای کودکان بر توسعه مهارت‌های شناختی، اجتماعی و اخلاقی آنان است. این نتایج با تحقیقات قبلی همخوانی دارد که نشان می‌دهند آموزش فلسفه می‌تواند بهبود مهارت‌های استدلال، تفکر منطقی و تصمیم‌گیری کودکان را تسریع بخشد (Biesta, 2011; Cassidy, 2017; Cassidy et al., 2017; Kizel, 2019).

با این حال، اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های آموزش فلسفه نیازمند تلاش‌های هماهنگ از سوی معلمان، والدین و سیاست‌گذاران آموزشی است. با حمایت و ترویج این نوع آموزش، کودکان می‌توانند مهارت‌های لازم برای مواجهه با چالش‌های زندگی و توسعه همه‌جانبه خود را کسب کنند (Motherway, 2022). در نهایت، پژوهش‌های بیشتر در این زمینه می‌تواند به شناسایی روش‌های مؤثرتر در آموزش فلسفه و ارائه راهکارهای عملی برای غلبه بر چالش‌های موجود کمک کند (Cassidy et al., 2017; Critten et al., 2021).

یکی از محدودیت‌های اصلی این پژوهش، نمونه محدود و کوچک از پاسخ‌دهندگان بود که شامل ۱۵ نفر از اساتید دانشگاه و خبرگان حوزه تعلیم و تربیت می‌شد. این تعداد ممکن است نمایانگر دیدگاه‌های جامع‌تری نباشد و نتایج را تا حدودی محدود کند. همچنین، استفاده از روش کیفی و تحلیل مبتنی بر نظریه زمینه‌ای ممکن است به تفسیرهای ذهنی پژوهشگران وابسته باشد که این موضوع می‌تواند به نوعی سوگیری منجر شود. عدم تعمیم‌پذیری نتایج به سایر گروه‌های سنی یا محیط‌های آموزشی دیگر نیز از دیگر محدودیت‌های این پژوهش است.

برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود که تحقیقات با نمونه‌های بزرگتر و متنوع‌تری از پاسخ‌دهندگان انجام شود تا نتایج قابل‌تعمیم‌تر و دقیق‌تری به دست آید. همچنین، استفاده از روش‌های ترکیبی (کیفی و کمی) می‌تواند به ارائه دیدگاه‌های جامع‌تر و دقیق‌تری کمک کند. پژوهش‌های طولی که به بررسی تأثیرات بلندمدت آموزش فلسفه برای کودکان می‌پردازند، می‌توانند اطلاعات مفیدتری را در اختیار پژوهشگران و سیاست‌گذاران آموزشی قرار دهند. علاوه بر این، بررسی تأثیرات آموزش فلسفه بر گروه‌های سنی مختلف و در محیط‌های آموزشی مختلف نیز می‌تواند زمینه‌ساز توسعه و بهبود برنامه‌های آموزشی باشد.

برای بهبود و توسعه برنامه‌های آموزش فلسفه برای کودکان، پیشنهاد می‌شود که دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی برای معلمان و مربیان برگزار شود تا آن‌ها با روش‌ها و تکنیک‌های مؤثر در آموزش فلسفه به کودکان آشنا شوند. همچنین، توسعه و ارائه منابع آموزشی مناسب، مانند کتاب‌ها، داستان‌ها

و ابزارهای آموزشی، می‌تواند به معلمان در اجرای بهتر این برنامه‌ها کمک کند. در نهایت، ترویج فرهنگ گفتگوی فلسفی در مدارس و تشویق والدین به مشارکت در این فرایند می‌تواند به توسعه مهارت‌های شناختی، اجتماعی و اخلاقی کودکان کمک کند. سیاست‌گذاران آموزشی نیز باید با ارائه حمایت‌های مالی و سیاست‌های مناسب، اجرای این برنامه‌ها را تسهیل کنند.

### تشکر و قدرانی

بدین وسیله پژوهشگران از شرکت کنندگان در پژوهش به دلیل مشارکت فعال در پژوهش و از مسئولان آن‌ها به دلیل موافقت جهت انجام پژوهش و انجام پرسشنامه تقدیر و تشکر می‌شود.



## References

- Biesta, G. (2011). Philosophy, Exposure, and Children: How to Resist the Instrumentalisation of Philosophy in Education. *Journal of Philosophy of Education*, 45(2), 305-319. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9752.2011.00792.x>
- Boyd, W., & Cutcher, L. (2015). Learning From Early Childhood Philosophy, Theory and Pedagogy: Inspiring Effective Art Education. *Australasian Journal of Early Childhood*, 40(1), 91-98. <https://doi.org/10.1177/183693911504000112>
- Cassidy, C. (2017). Philosophy With Children: A Rights-Based Approach to Deliberative Participation. *The International Journal of Children's Rights*, 25(2), 320-334. <https://doi.org/10.1163/15718182-02502003>
- Cassidy, C. (2021). Philosophy With Children as and for Moral Education. 13-28. [https://doi.org/10.1007/978-3-662-64180-4\\_2](https://doi.org/10.1007/978-3-662-64180-4_2)
- Cassidy, C., Marwick, H., Deeney, L., McLean, G., & Rogers, K. (2017). Fostering Citizenship in Marginalised Children Through Participation in Community of Philosophical Inquiry. *Education Citizenship and Social Justice*, 13(2), 120-132. <https://doi.org/10.1177/1746197917700151>
- Critten, V., Hagon, H., & Messer, D. (2021). Can Pre-School Children Learn Programming and Coding Through Guided Play Activities? A Case Study in Computational Thinking. *Early Childhood Education Journal*, 50(6), 969-981. <https://doi.org/10.1007/s10643-021-01236-8>
- Kizel, A. (2019). Following Philosophy With Children Concepts in Practice of Teacher Education. *Childhood & Philosophy*, 15, 01-21. <https://doi.org/10.12957/childphilo.2019.44574>
- Mehdiyev, G., & Yarali, K. T. (2020). Çocuklarla Felsefe Programının Çocukların İnsani Değerlere Yönelik Tutumları Üzerindeki Etkililiği. *Bayburt Eğitim Fakültesi Dergisi*, 15(29), 251-279. <https://doi.org/10.35675/befdergi.683349>
- Motherway, G. (2022). A Democratic School: Teacher Reconciliation, Child-Centred Dialogue and Emergent Democracy. *Journal of Philosophy of Education*, 56(6), 998-1013. <https://doi.org/10.1111/1467-9752.12718>
- Ndofirepi, A. P. (2012). Quality Education in Africa: Introducing Philosophy for Children to Promote Open-Mindedness. *Africa Education Review*, 9(sup1), S26-S40. <https://doi.org/10.1080/18146627.2012.755242>
- Pala, F. (2022). The Effect of Philosophy Education for Children (P4C) on Students' Conceptual Achievement and Critical Thinking Skills: A Mixed Method Research. *Education Quarterly Reviews*, 5(3). <https://doi.org/10.31014/aior.1993.05.03.522>
- Parkin, N. (2021). Offering Philosophy to Secondary School Students in Aotearoa New Zealand. *New Zealand Journal of Educational Studies*, 57(1), 87-101. <https://doi.org/10.1007/s40841-021-00212-5>
- Safriyani, R., & Mustofa, A. (2021). Promoting Philosophy for Children (P4C) in Teaching Reading. *English Teaching Journal a Journal of English Literature Language and Education*, 9(2), 120. <https://doi.org/10.25273/etj.v9i2.10948>
- Vansieleghem, N., & Kennedy, D. (2011). What Is Philosophy for Children, What Is Philosophy With Children-After Matthew Lipman? *Journal of Philosophy of Education*, 45(2), 171-182. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9752.2011.00801.x>